

گفت و گو با نگهبانی که اموال فروشگاه را سرقت می کرد

# دزدی زنجیره‌ای از فروشگاه زنجیره‌ای

مدتی بود که یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای پایتخت متوجه کسری کالاهایی مانند چای، رب گوجه‌فرنگی، تن ماهی، روغن و... در انبارش می‌شد. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد ارزش اموال سرقتی حدود یک میلیارد است و همین مساله باعث شد موضوع به کارآگاهان اداره هفدهم پلیس آگاهی پایتخت اعلام شود. با حضور ماموران، تحقیقات آغاز و عاملان این سرقت‌ها که دو نگهبان فروشگاه زنجیره‌ای بودند، بازداشت شدند. این هفته رو در روی یکی از نگهبانان نشسته و او از روش سرقت‌هایشان و انگیزه خود گفت.

هلیا حضرتی

تپش

چرا دست به سرقت زدید؟

به خاطر مشکلات مالی. خرج و دخل مان باهم جور در نمی‌آمد و برای همین تصمیم گرفتیم راهی پیدا کنیم که بدهی‌هایمان را پرداخت کرده و کمی به اوضاع زندگی‌مان برسیم. اما نقشه‌ای که کشیدیم نه تنها دزدی را درمان نکرد، بلکه به دزدانی تبدیل شدیم که سابقه‌مان باعث می‌شود دیگر جایی به ما کار ندهند.

فروشگاه دوربین داشت و به این فکر نمی‌کردی بازداشت شوی؟

دفعه اول ترس داشتیم اما از همان ابتدا می‌دانستیم دوربین‌ها را بررسی نمی‌کنند. اگر هم دوربین‌ها بازبینی می‌شد، بهانه می‌آوردیم که قصد پرکردن فروشگاه را داشتیم و وسایل را برای فروشگاه بردیم. گرچه این بهانه کارساز نبود.

سرشماری و کسری اموال چطور؟ با این موارد چکار می‌کردید؟

بررسی اموال و وسایل هم خیلی با دقت صورت نمی‌گرفت و ما در مدتی که آنجا کار می‌کردیم متوجه این موضوع شدیم.

چه شد ماجرای سرقت‌هایتان لورفت؟

زمانی که فروشگاه متوجه کسری در انبار می‌شود، تصمیم به شکایت می‌گیرد. نماینده حقوقی شرکت به اداره آگاهی می‌رود و از سرقت وسایل انبار شکایت می‌کند. پلیس



عکس تزیینی است

هم باتوجه به این که فروشگاه هم دوربین داشته و هم نگهبان، به این نتیجه می‌رسد

سرقت از سوی افراد داخلی است. دوربین‌ها را که بازبینی می‌کنند، به من و همکارم می‌رسند.

بازداشت که شدیم ابتدا سعی کردیم کتمان کنیم اما تصاویر ما در دوربین‌های مدار بسته و کلی مدرک دیگر باعث شد بالاخره واقعیت را بگوییم.

اما بهانه‌تان برای پلیس منطقی نبود؟

دقیقا، وقتی واقعیت را نمی‌گویی کسی باور نمی‌کند. ما سعی کردیم بهانه بیاوریم و صحنه‌سازی کنیم اما بی‌فایده بود و در نهایت

به سرقت‌های سریالی اعتراف کردیم.

سرقت را چطور انجام می‌دادید؟

اولین بار چند ماه قبل بود که به خاطر مشکلات تصمیم به سرقت گرفتیم. وقتی سرقت اول را انجام دادیم و کسی از ماجرا باخبر نشد، با خودمان گفتیم موارد دیگر را هم متوجه نمی‌شوند.

برای همین تصمیم گرفتیم به سرقت‌هایمان ادامه دهیم. در چند مرحله، در زمان خلوتی فروشگاه، سرقت می‌کردیم و وسایل سرقتی را داخل پرایدمان قرار داده و آنها را به خانه‌هایمان انتقال می‌دادیم.

چقدر گیرتان آمد؟

نفری ۳۰۰ میلیون تومان.

اما فروشگاه اعلام کرده ارزش اموال سرقتی یک میلیارد تومان است؟

خب مالخر همیشه وسایل را ارزان‌تر می‌خرد. او قیمت واقعی را به ما نمی‌داد.

با این پول بدهی‌هایتان را دادید؟

نه فکر می‌کردیم این درآمد همیشه هست و ابتدا با این پول یادآورده خوشگذرانی کردیم اما دستگیر شدیم و علاوه بر بدهی باید رد مال هم کنیم.

همسرت می‌دانست سرقت می‌کنی؟

نه. فکر می‌کرد من از فروشگاه این مواد را به قیمت کارخانه می‌خرم و به قیمت آزاد می‌فروشم.

حرف آخر

واقعا راست می‌گویند بار کج به منزل نمی‌رسد. این همه دزدی و اضطراب و الان زندان ارزش کمی خوشگذرانی را نداشت.



فکر می‌کردیم این

درآمد همیشه هست

و ابتدا با این پول

یاد آورده خوشگذرانی

می‌کردیم اما دستگیر

شدیم و علاوه بر بدهی

باید رد مال هم کنیم



## نگهبان انبار ضایعات در يك قدمی مجازات مرگ

محکمه



نگهبان انبار ضایعات که با ضربه قمه پسر ضایعات جمع‌کن را کشته است، با تایید حکم قصاص در يك قدمی چوبه دار قرار گرفت.

در این پرونده مرد نگهبان متهم است بیست و نهم فروردین سال ۹۷ در جریان درگیری در انبار بازیافت در روستای قمصر باقرشهر استان تهران، پسر ضایعات جمع‌کنی به نام پرویز را کشته است.

چندی قبل در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران به این پرونده رسیدگی شد. در این جلسه پدر مقتول برای قاتل پسرش حکم قصاص خواست و گفت: پسر مدت‌ها بود با جمع‌کردن ضایعات کمک خرجم بود. چند روز قبل از قتل به انباری در باقرشهر رفت و مقداری لوله پولیکای ضایعاتی آورد. روز قتل دوباره راهی آنجا شد اما دست خالی برگشت و گفت نگهبان انبار مانع او شده است. من همراه برادر و برادرزاده‌ام راهی آنجا شدیم که نگهبان به سمت پسر حمله کرد و ضربه‌ای به سینه او زد که باعث مرگش شد. از خون پسر نمی‌گذرم و قصاص می‌خواهم.

سپس متهم ۲۸ ساله در جایگاه قرار گرفت و گفت: مقتول سر ساختمان آمد و به او ضایعات داد اما می‌خواست خودش در انبار بگردد که مانعش شدم. او فحاشی کرد و رفت. يك ساعت بعد همراه سه نفر دیگر به انبار آمدند. او می‌خواست با قمه مرا بزند که با چوب به سرش زدم و قمه از دستش افتاد. مقتول سعی کرد قمه را بردارد که من زودتر قمه را به دست گرفتم و ضربه‌ای به سینه او زدم اما باور کنید قصد کشتن پسر جوان را نداشتم.

متهم به قتل ادامه داد: من در آن انبار نگهبان بودم و اگر وسیله‌ای که غیرضایعاتی بود ناپدید می‌شد باید خسارت می‌دادم. به همین دلیل اجازه ندادم پسر جوان وارد انبار شود و خودم به او ضایعات دادم.

قضات دادگاه پس از رسیدگی به این پرونده، حکم به قصاص متهم داده و این حکم در شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت و مهر تایید خورد.